روزنامه شرق

سه‌شنبه ۲ دی ۱۴۰۴
۲ رجب ۱۴۴۷
۲۳ دسامبر ۲۰۲۵
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۲۸۷
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

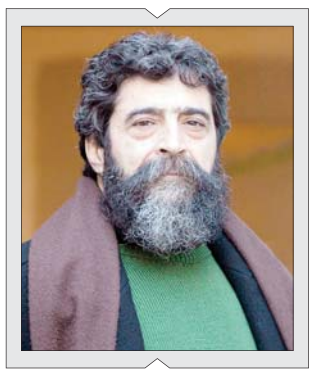

نشست تحلیل آثار بهرام دبیری در موزه هنرهای معاصر تهران

آینده بهترین داور است

۱۱

سرمقاله

درباره ضرورت لغو تحریم‌ها

کوروش احمدی
دیپلمات پیشین

به نظر می‌رسد برخی از مقامات از صرافت تلاش برای لغو تحریم‌ها افتاده و ظاهرا متمایل به پذیرش تحریم به‌عنوان امری مقدر و محتوم شده‌اند. این در حالی است که تحریم‌های ۲۰ساله کشور ما را وارد مرحله فرسودگی زیرساخت‌ها و اضمحلال ساختاری کرده است. هم‌زمان رشد چشمگیر اقتصادی و تکنولوژیک برخی از کشورهای منطقه می‌تواند متضمن تهدیدات امنیتی نیز برای ما باشد. در چنین شرایطی ضرورت دارد که لغو تحریم‌ها به هر قیمت و بیشتر از هر زمان دیگری در دستور کار مقامات ما باشد. تورم ناشی از تحریم به‌اضافه سوءمدیریت و فساد گسترده که هم‌افزایی دارند و متقابلا یکدیگر را تشدید می‌کنند، بیش از این نباید و نمی‌تواند ادامه یابد. عوارض تحریم برای اقتصاد و اجتماع که ما را به مرحله اضمحلال ساختاری رسانده، به شرح زیر قابل تلخیص است:

۱. تحریم و سوءمدیریت هم‌افزایی دارند و یکدیگر را تقویت می‌کنند. تحریم با ایجاد فرصت و انگیزه موجب سیستمیک شدن سوءمدیریت می‌شود. با مقصر جلوه‌دادن قدرت‌های خارجی، دست مردم و رسانه‌ها برای پاسخ‌گوکردن مقامات بسته می‌شود و مسئولان بی‌کفایت حاشیه امن پیدا می‌کنند. با رشد بدگمانی‌ها، پدیده «خودی و غیرخودی» و اصل وفاداری به جای تخصص بیش از پیش مبنای کار قرار می‌گیرد و سمت‌های اصلی به خودی‌های ظاهرا وفادار اما فاقد صلاحیت سپرده می‌شود. با تشدید روند حذف افراد شایسته، در مدت ۲۰ سال گذشته مهاجرت نخبگان و فرار سرمایه سرعت گرفته است. برنامه‌ریزی درازمدت عملا منتفی شده و مقامات مستمرا درگیر روزمرگی و مدیریت بحران با هدف تأمین ارزاق و جلوگیری از کاهش ارزش پول ملی برای دوره‌های کوتاه هستند. درآمدها به جای اینکه صرف طرح‌های اصولی و جلوگیری از افزایش ناترازی‌ها و رشد فناوری شود، صرف تحقق برنامه‌های کوتاه‌مدت پوپولیستی می‌شود. رشد شوراها و کمیته‌های ویژه و... کاهش اختیارات وزارتخانه‌ها و ایجاد یک بوروکراسی موازی بدون هرگونه نظارت را در پی داشته است. قیمت‌گذاری تصنعی و نرخ‌های متعدد ارز موجب اختلال بیشتر در بازار و جایگزینی بورس‌بازی به جای تولید و تجارت واقعی شده است.

۲. تحریم محیط را برای رشد فساد سیستمیک مساعد کرد. مخفی‌کاری، اختلال در سازوکار بازار و شکل‌گیری شبکه‌های مخفی برای دورزدن تحریم‌ها موجب رشد فساد شده است. بسته‌بودن راه‌های قانونی و عرفی برای تجارت، توسل به مسیرهای غیرشفاف برای تجارت را الزامی کرده است. با محدودشدن شبکه بانکی، واسطه‌ها امکان رشد یافته‌اند. لایه‌هایی از شرکت‌های صوری و پوششی و تراستی‌ها و اشخاص مطمئن در داخل و کشورهای مسیر به وجود آمده‌اند که باید در تاریکی مقادیر هنگفتی پول را از راه‌های غیرقانونمند جابه‌جا کنند. در نتیجه، مقامات و نخبگان دولتی دسترسی غیرشفاف و نامحدودی به پول‌های بی‌حساب دارند. همچنین تحریم موجب حذف رقابت شده و بازار داخلی و بخشی از تجارت خارجی در انحصار شبکه‌های قدرتمند معدودی قرار گرفته است. این شبکه‌های مورد اعتماد حق انحصاری برای واردات و صادرات و تجارت داخلی یافتند و عملا توانستند خدمات خود را به هر قیمتی عرضه کنند. به این ترتیب، طبقه‌ای از کاسبان تحریم شکل گرفت و در موقعیت بهره‌بردن از اقتصاد بسته و زمینه‌سازی برای تداوم تحریم قرار گرفت. از آنجا که کمبود کالا یکی از پیشران‌های اصلی فساد است، رشوه و قاچاق به یک صنعت پررونق تبدیل شده است. در نتیجه، بخشی از تولید ناخالص ملی غیررسمی و زیرزمینی شده و دولت امکان کسب مالیات و وضع مقررات را از دست داده است و نهادهای رسمی ضعیف‌تر شده‌اند. همچنین نقض قوانین با هدف دورزدن تحریم‌ها عملی پسندیده و میهن‌دوستانه به نظر آمده و مرزهای بین کمک به مردم و سودجویی شخصی مخدوش شده است. مبالغ کلانی از پول عمومی که بدون امکان حسابرسی در اختیار شبکه‌های نامرئی است، راه را برای رشد بیشتر اختلاس هموارتر کرده است.

۳. مشکل تورم مزمن و خانمان‌برانداز ۲۰ساله بدون لغو تحریم‌ها رفع‌شدنی نیست. تحریم و تورم از طریق زنجیره پیچیده‌ای از کنش و واکنش‌ها مکمل یکدیگر و مسبب کاهش ارزش پول ملی‌اند. تحریم موجب محدودیت صادرات و دسترسی به نظام بانکی بین‌المللی و کاهش دسترسی به ارزهای قوی می‌شود که کاهش واردات و افزایش بهای کالاهای وارداتی را در پی دارد.

ادامه در صفحه ۵

در «شرق» امروز می‌خوانید: سخنگوی وزارت خارجه ایران: برنامه موشکی برای دفاع از کیان ایران است نه مذاکره • عذرخواهی سپاهانی‌ها از هواداران • درباره «سفر از حقوق به ادبیات» محسن محبی

۱۵ سال بعد از بهار عربی روح عصیان کماکان زنده مانده است؟

تراژدی شکست

این گزارش را در صفحه ۵ بخوانید

گفت‌وگو با عاطف ابوسیف، نویسنده فلسطینی

بقا یک مسئلهٔ شخصی نیست

این گفت‌وگو را در صفحه ۶ بخوانید

بازخوانی لایه‌های بحران در سیاست خارجی در گفت‌وگو با ناصر نوبری

شیمی درمانی سیاست خارجی

این گفت‌وگو را در صفحه ۲ بخوانید. عکس: سپند تاکی، شرق

برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از وضعیت ایمنی و سازه ساختمان‌های حساس مثل بیمارستان‌ها، مدارس و خوابگاه‌های تهران

در تیررس زلزله و جنگ

۱۰

مصوبه «سیاست‌های صوت و تصویر فراگیر»؛ تعارض با جمهوریت

مصوبه‌ای برای حذف وزارت فرهنگ

۱۲

تلاش دولت برای جذاب‌کردن بورس کالای ایران

دست به دامان بورس

۴

برگزاری دیدار استقلال- گل‌گهر در ورزشگاه امام رضا مشهد با حضور زنان

مجوزها صادر شد

۹

گزارش «شرق» از وکلایی که در جریان پرونده‌ها مورد خشونت قرار گرفته یا حتی کشته شده‌اند

قربانی دفاع

۱۰

رد درخواست اعاده دادرسی محکومان پرونده چای دبش

فاطمی‌امین و ساداتی‌نژاد باید خود را به زندان معرفی کنند

۳

یادداشت

امضا کردی، بهایش را بده

حامد نقی‌لو
کارشناس سیاست خارجی

چین پای ادعاهای امارات را امضا کرد تا پرونده جزایر سه‌گانه از سطح ادعاهای تکراری در منطقه به سطح مناقشه جهانی ارتقا یابد. معنای این امضا روشن است؛ حتی قدرت‌های بزرگ حاضرند حاکمیت ایران را در معامله‌های ژئوپلیتیک خرج کنند. پاسخ ایران نیز باید به همان اندازه روشن باشد؛ هر امضا و هر همراهی باید به هزینه‌ای محسوس و بازدارنده بدل شود تا هیچ بازیگری نتواند تمامیت سرزمینی ایران را به کالای قابل معامله تبدیل کند.

امارات متحده عربی سال‌هاست با طرح ادعاهای بی‌اساس تلاش می‌کند تاریخ را وارونه کند و با اتکا بر بیانیه‌های شورای همکاری خلیج فارس، این ادعاها را به زبان مشترک منطقه‌ای بدل کند. بعضی از کشورهای حاشیه خلیج فارس که خود بخش‌هایی از ایران بوده‌اند و در سال‌های نه‌چندان دور جدا شده‌اند، امروز با امضای چنین بیانیه‌هایی ضعف تاریخی خود را پشت ادعاهای سیاسی پنهان می‌کنند. ایران باید یادآوری کند که این کشورها نه‌تنها حق تاریخی در این جزایر ندارند، بلکه خود محصول جدایی از ایران هستند و نمی‌توانند با امضای بیانیه‌های سیاسی تاریخ را بازنویسی کنند.

قدرت‌های بزرگ نیز در این مسیر بی‌تقصیر نیستند. چین در بیانیه‌های مشترک با امارات از تلاش صلح‌آمیز ابوظبی سخن گفته و روسیه نیز یک بار پای بیانیه‌ای را امضا کرد که به همین ادعا میدان داد. این همراهی‌ها، هرچند به بهانه حفظ مناسبات اقتصادی صورت گرفته، در بلندمدت اعتبار دیپلماتیک آنان را با چالش مواجه می‌کند. پاسخ ایران باید روشن باشد؛ اگر چین چنین موضعی می‌گیرد، ایران هم می‌تواند در قبال تایوان موضع مشابهی داشته باشد. اگر روسیه چنین کاری می‌کند، ایران هم می‌تواند در موضوع جزایر کوریل میان روسیه و ژاپن همان موضع را بگیرد. این همان منطق بازدارندگی است؛ امضا کردی، بهایش را بده.

در حقوق بین‌الملل، حاکمیت با اعمال مؤثر و مستمر تثبیت می‌شود، نه با نقشه‌ها یا ادعاهای تاریخی. بنابراین مؤثرترین پاسخ ایران به هرگونه ادعا، افزایش کمی و کیفی حضور حاکمیتی در این جزایر است. این حضور باید چندبعدی و برنامه‌ریزی‌شده باشد؛ توسعه زیرساختی و رفاهی برای ساکنان، بازدیدهای منظم مقامات بلندپایه کشوری و لشکری و دیپلماسی عمومی فعال برای معرفی این دستاوردها به مخاطب جهانی. هر یک از این اقدامات سندی زنده و انکارنشدنی در دفاع از حقوق حاکمیتی ایران است و نشان می‌دهد که مالکیت ایران بر جزایر نه یک ادعا، بلکه واقعیتی جاری و تثبیت‌شده است. استمرار چنین اقداماتی علاوه بر تقویت مشروعیت بین‌المللی ایران، پیام روشنی به طرف‌های مدعی می‌دهد که تمامیت سرزمینی ایران خط قرمزی است که در عمل پاسداری می‌شود. در عرصه اقتصادی نیز می‌توان از منطق وابستگی متقابل به‌عنوان ابزاری برای بازدارندگی استفاده کرد. پیام ایران باید شفاف باشد؛ به این معنا که همکاری‌های اقتصادی سودمند و پایدار ارزشمند هستند، اما نمی‌توانند بر بستری از بی‌توجهی به خطوط قرمز حاکمیتی ایران استوار شوند. ادعاهای بی‌پایه در مورد جزایر ایرانی، ریسک سیاسی و امنیتی مستقیمی برای پروژه‌های مشترک و جریان سرمایه‌گذاری ایجاد می‌کند. هزینه‌ها باید به‌طور روشن طبقه‌بندی شوند تا پیام ایران شفاف‌تر باشد. در سطح سیاسی هم ایران می‌تواند در پرونده‌های حساس کشورها موضع متقابل اتخاذ کند و نشان دهد که نقض تمامیت سرزمینی ایران بی‌پاسخ نمی‌ماند. آیا چین در برابر اتخاذ چنین مواضعی از سوی ایران در موارد محل مناقشه خود با تایوان، فیلیپین و... مانند ما سکوت خواهد کرد؟!

همچنین در عرصه اقتصادی، بازنگری در قراردادهای انرژی یا سرمایه‌گذاری‌های مشترک می‌تواند به‌عنوان ابزار فشار عمل کرده و طرف مقابل را متوجه ریسک‌های ناشی از ادعاهای بی‌پایه کند. در حوزه دیپلماتیک نیز کاهش سطح همکاری در نهادهای بین‌المللی یا تغییر لحن رسمی در مجامع جهانی، پیام روشنی خواهد بود که هرگونه همراهی با ادعاهای امارات، هزینه‌ای مستقیم بر روابط با ایران تحمیل می‌کند.

در سطح منطقه‌ای، راه خنثی‌سازی تلاش امارات برای عادی‌سازی ادعاهای خود از طریق شورای همکاری، ابتکار گفت‌وگوی مستقیم در موضوعات حیاتی مشترک است. امنیت انرژی، آزادی کشتیرانی، مقابله با تهدیدهای فرامرزی و مدیریت بحران‌های زیست‌محیطی حوزه‌هایی هستند که اولویت همه کشورهای ساحلی‌اند. ایران می‌تواند ابتکار عمل نشان دهد که همکاری در این حوزه‌ها منافع ملموس و پایداری برای همه دارد، در حالی که ادامه ادعاهای بی‌ثمر تنها هزینه‌ها را افزایش و اعتماد را کاهش می‌دهد. هرچند مشکل اصلی در داخل است. واکنش ایران در همه این سال‌ها بیشتر منفعلانه بوده و به بیانیه‌های وزارت خارجه خلاصه شده است که کافی نیست. چه خوشمان بیاید و چه نیاید، تنها یک بار محمود احمدی‌نژاد با سفر به جزایر نشان داد که حاکمیت ایران فقط روی کاغذ نیست، روی زمین هم هست.

ادامه در صفحه ۵

به خاطر «ایران» مجبور به توسعه‌ایم

حسین حقگو
کارشناس اقتصادی

«آبادی و قدرت یک دولت، بسته به مقدار امتعه آن دولت است».

(میرزا ملکم‌خان-رساله‌ها)

۱- خطر قرمز هر دولت-ملتی، تمامیت ارضی آن است. بر این اساس، هر آرمان ایدئولوژیک و منفعت اقتصادی و... در ذیل این خط قرمز تعریف و روابط و مناسبات کشورها با یکدیگر حول این اصل اساسی و رعایت این خط قرمز تنظیم می‌شود. آیا کشورمان از این قاعده مستثناست؟ قطعا خیر. پس چگونه است که دو کشور چین و امارات به‌عنوان شرکای اول و دوم تجاری کشورمان بر سر نفی تمامیت ارضی ایران، بیانیه‌های سیاسی مشترک صادر می‌کنند و واکنش کشورمان تنها ابراز مخالفت و اعتراض دیپلماتیک است، نه واکنش‌های سخت‌تر و حتی مقابله‌به‌مثل (در مورد چین)؟! اگر این نوع اعتراضات دیپلماتیک اثر داشت، در مورد همان حمایت سه سال قبل (آذرماه ۱۴۰۱) رئیس‌جمهور چین از همین ادعای سخیف، مؤثر می‌افتاد و همان رفتار این بار از سوی وزیر خارجه این کشور تکرار نمی‌شد. واقعیت آن است که قدرت را تنها با قدرت می‌توان مهار کرد، نه صرفا با اعتراض و هشدار. اماراتی که به مهم‌ترین هاب تجاری تبدیل شده و چینی که بزرگ‌ترین تولیدکننده کالا در جهان است و حجم مبادلات این دو کشور به بیش از ۷۰ میلیارد دلار رسیده و در هوش مصنوعی، شهرهای هوشمند و... بده‌بستان زیادی با یکدیگر دارند، طبعا در سیاست خارجی هم منافع مشترک پیدا می‌کنند و متأسفانه، عجالتا منافع مشترک‌شان شبهه‌افکنی در تمامیت ارضی ایران عزیزمان است. ما را اما چه شده است؟!

۲- پارادایم حاکم بر سیاست خارجی کشورمان هنوز همان پارادایم دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی است. در این دیدمان رابطه کشورهای پیشرفته و در حال توسعه مبتنی بر تأمین مواد اولیه و خام ارزان از کشورهای در حال توسعه برای تولید محصولات مورد نیاز جامعه غرب با کمترین قیمت بوده است. در نتیجه، افزایش سطح رفاه در جوامع پیشرفته به معنای عقب‌ماندگی و فقر در کشورهای در حال توسعه بوده و جهان به دو قطب استعمارگر و استعمارشده تقسیم شده و مبنای روابط «تضاد منافع» بوده است؛ چنان‌که توسعه روابط با جهان غرب به معنای نابودی منافع ملی تلقی می‌شده است. پارادایمی تاریخ مصرف گذشته و به بایگانی سپرده‌شده که جای خود را به اولویت مؤلفه‌های فناوری و دانش فنی و بازار و قدرت خرید و اشتراک منافع به جای مواد اولیه و خودکفایی و تضاد منافع داده است؛ چنان‌که اگر روزگاری این کشورهای دارنده نفت بودند که کشورها و قدرت‌های جهانی را تهدید به تحریم نفتی می‌کردند (دهه ۷۰ میلادی و شوکی که قیمت نفت را از سه دلار به ۱۲ دلار افزایش داد)، در دهه‌های اخیر این قدرت‌های جهانی‌اند که کشورهای دارنده این منابع را تحریم به نخریدن نفت و سایر مواد اولیه می‌کنند و مصداق روشن آن دو دور تحریم نفتی کشورمان است.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

راهبرد اقتصادی دولت در شرایط فعلی چه باید باشد؟

مراد راهداری

اخیرا مکرر از جانب سران دولت می‌شنویم که حذف فلان یارانه و گران‌سازی فلان کالاها مثل بنزین، حتما باید صرف کمک به دهک‌های ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه شود ولاغیر! چنین ادعا و سخنی در صورتی از نظر کارشناسی قابل قبول است که علاوه بر تأمین مالی قبلی و منظورشدن رشد سالانه طبق قواعد بودجه‌ریزی، این محل ایجاد درآمد یا به عبارت بهتر، این وجوه حاصل از افزایش بهای کالاهای دولتی، واقعا بیشتر از روندی که بود، به آن اقشار مدنظر اختصاص یابد. اما هوش کارشناسی که اقدام به تحلیل عمودی و افقی بودجه می‌کند، درمی‌یابد معمولا چنین نشده است و این نوع دستورها و اظهارنظرها بیشتر جنبه گفتاردرمانی دارد و می‌خواهد طبق گفتمان مکتب روانی در علم اقتصاد یا وفق نظر پیروان مکتب رفتارگرایی، التهاب ناشی از رشد بهای کالا و خدمات دولتی را کاهش دهد.

ادامه در صفحه ۵

خانواده محترم معروف

ضایعه درگذشت خواهر گرامیتان را تسلیت عرض می‌کنم، از خداوند متعال برای آن مرحومه علو درجات و برای بازماندگان صبر و اجر آرزومندم.

غلامحسین جلالی‌فرد

انا لله و انا الیه راجعون

با کمال اندوه و تأثر، درگذشت بانوی فرهیخته و گران‌قدر، سرکار خانم دکتر اشرف بروجردی را به خانواده محترم ایشان، یاران و همکاران و دوست‌داران فرهنگ، عدالت و کرامت انسانی تسلیت می‌گوییم.

ادامه در صفحه ۴

انا لله و انا الیه راجعون

با تأسف و تأثر درگذشت بانوی فداکار و فرهیخته سرکار خانم **دکتر اشرف بروجردی** را خدمت خانواده محترم ایشان و همه دوستداران کرامت و فضیلت تسلیت عرض کرده، از درگاه احدیت رحمت و مغفرت برای ایشان و شکیبایی و سلامتی برای بازماندگان محترم مسئلت داریم.

سیدمرتضی مبلغ، محمدمهدی صمدی
محمدهاشم مهیمنی، سیدمحمود حسینی
سیدابوالفضل رضوی، مهدی رحمانیان، احمدعلی فردوسی
علی مزروعی، عباس رضایی، جعفر رحمان‌زاده
سیدمظفر شجاعی، محمد زائری، محمدتقی شریعتی
حسن جعفری، جعفر ربانی، علیرضا فیروز، مصطفی نصر
عباس نصر و سعید صدوقی